

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نمادشناسی شخصیت‌های دینی

در شعر شاذل طاقه

مؤلف :

مریم بخشنده

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)
۱۴۰۱

نام کتاب: نمادشناسی شخصیت‌های دینی در شعر شاذل طاقه

مؤلف: مریم بخشنده

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱

چاپ: مدیران

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۹۸۶-۶

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
فصل اول : گذاری بر زندگی، اندیشه‌ها و آثار شاذل طاقه	۱۵
۱- نگاهی بر زندگی شاذل طاقه	۱۵
۲- نگاهی بر اندیشه‌ها و آثار شاذل طاقه	۱۷
معرفی آثار شاذل طاقه	۲۱
۱- المساء الأخير (۱۹۵۰م)	۲۱
۲- تاریخ الأدب العباسی (۱۹۵۳م)	۲۱
۳- قصائد غیر صالحه للنشر (۱۹۵۶م)	۲۲
۴- ثم مات الليل (۱۹۶۳)	۲۲
۵- الأعور الدجال والغرباء (۱۹۶۹م)	۲۲
۶- فی الإعلام والمعركة (۱۹۶۹)	۲۲
فصل دوم : رویکردی شناختی به سنت و خاستگاه، گونه‌ها و شیوه‌های کاربست آن در شعر معاصر عربی	۲۵
۱- سنت در لغت و اصطلاح	۲۶
۲- پیشینه سنت‌گرایی و موضع‌گیری‌های مختلف در برابر آن	۲۹
۳- عوامل به‌کارگیری سنت در شعر معاصر عربی	۲۹
۳-۱- عوامل فنی و هنری	۲۹
۳-۲- عوامل فرهنگی	۲۹
۳-۳- عوامل سیاسی و اجتماعی	۳۰

۳۰ ۳-۴- عوامل ملّی
۳۰ ۳-۵- عوامل روحی - روانی
۳۱ ۴- انواع سنّت
۳۱ ۴-۱- سنّت اسطوره‌ای
۳۲ ۴-۲- سنّت تاریخی
۳۳ ۴-۳- سنّت ادبی
۳۳ ۴-۴- سنّت ملّی
۳۳ ۴-۵- سنّت عرفانی
۳۴ ۴-۶- سنّت دینی
۳۵ ۵- کارکردهای سنّت
۳۶ ۶- شیوه‌های به کارگیری سنّت
۳۶ ۶-۱- بینامتنیت
۳۹ ۶-۲- فراخوانی شخصیت
۴۰ ۶-۲-۱- تکنیک‌های فراخوانی شخصیت سنّتی
۴۲ ۶-۲-۲- میزان حضور شخصیت سنّتی در شعر
۴۳ ۷- رمز
۴۳ ۷-۱- رمز در لغت
۴۳ ۷-۲- رمز در اصطلاح
۴۵ ۷-۳- انگیزه‌های گرایش شاعران به رمز
۴۶ ۷-۴- رمزگرایی در ادبیات معاصر عربی
۴۷ ۸- تکنیک نقاب

فصل سوم: رویکردی شناختی به شخصیت‌های دینی و نمود آن در ادیان ابراهیمی ... ۵۱

۱- واکاوی شخصیت‌های پیامبران ۵۳

۱-۱- تصویر ایوب (ع) در آیینۀ ادیان ابراهیمی ۵۳

۱-۲- شخصیت حضرت خضر (ع) در ادیان آسمانی ۵۵

۱-۳- تصویر حضرت عیسی (ع) در ادیان ابراهیمی ۵۷

۱-۴- شخصیت پیامبر اکرم (ص) در ادیان ابراهیمی ۵۸

۲- واکاوی دیگر شخصیت‌های مقدّس دینی (شخصیت‌های محبوب) ۶۲

تصویر مریم (ع) در آیینۀ ادیان ابراهیمی ۶۲

۳- واکاوی شخصیت‌های منفور ۶۴

۳-۱- قابیل و هابیل در ادیان ابراهیمی ۶۴

۳-۲- شخصیت یهودا در ادیان آسمانی ۶۶

۳-۳- تصویر مسیح دجال در ادیان ابراهیمی ۶۹

فصل چهارم: نمادشناسی شخصیت‌های پیامبران در سروده‌های شاذل طاقه ۷۳

۱- واکاوی شخصیت حضرت ایوب (ع) ۷۴

۱-۱- گذری بر مضمون چکامه «انتصار ایوب» ۷۴

۱-۲- معرفی چکامه «هموم ایوب» ۷۷

۱-۳- بررسی تصاویر و دلالت‌های نمادین شخصیت ایوب (ع) در سروده‌های

شاذل طاقه ۷۹

۱-۳-۱- ایوب (ع) نماد بدر شاکر سیاب ۷۹

۱-۳-۲- ایوب (ع) رمز فلسطین اشغالی ۸۱

۱-۳-۳- ایوب (ع) رمز صبر و استقامت ۸۲

۱-۳-۴- ایوب (ع) نماد فلسطینی ستمدیده ۸۳

- ۱-۳-۵- ایوب (ع) نماد عدم صبر و شکیبایی ۸۵
- ۱-۳-۶- ایوب (ع) نماد تموز (نوزایی و زندگی پس از مرگ) ۸۵
- ۱-۳-۷- ایوب (ع) نماد شاذل طاقه ۸۶
- ۱-۳-۸- درد و رنج ایوب (ع) ۸۷
- ۲- واکاوی شخصیت حضرت خضر (ع) ۹۰
- ۲-۱- نگاهی بر مضمون چکامه «بابل و شموع النذر» ۹۰
- ۲-۲- تبیین تصاویر و دلالت های نمادین شخصیت خضر (ع) در اشعار شاذل طاقه ۹۴
- ۲-۲-۱- خضر (ع) نماد حیات و سرسبزی ۹۴
- ۲-۲-۲- تصویر خضر (ع) بر اساس میراث ملی (فولکور) عراق ۹۶
- ۳- واکاوی شخصیت حضرت عیسی (ع) ۹۷
- ۳-۱- گذری بر مضمون سروده «فی الطريق إلى القاهرة» ۹۷
- ۳-۲- معرفی چکامه «غریب الوجه فی المنفی» ۱۰۱
- ۳-۳- بررسی تصاویر و دلالت های نمادین شخصیت مسیح (ع) در سروده های شاذل طاقه ۱۰۳
- ۳-۳-۱- مسیح (ع) رمز حیات و زندگانی ۱۰۳
- ۳-۳-۲- مسیح (ع) نماد درد و رنج ۱۰۴
- ۳-۳-۳- مسیح (ع) نماد جهانی بودن ۱۰۴
- ۳-۳-۴- دشمنان مسیح (ع) ۱۰۵
- ۴- واکاوی شخصیت حضرت محمد (ص) ۱۰۷
- ۴-۱- معرفی قصیده «ضائعون وغرباء» ۱۰۷
- ۴-۲- واکاوی تصاویر و دلالت های نمادین شخصیت نبی اکرم (ص) در اشعار شاذل طاقه ۱۱۱

- ۱۱۱ ۴-۲-۱- حضرت محمّد (ص) نماد عظمت و شکوه گذشته
- ۱۱۱ ۴-۲-۲- نبی اکرم (ص) نماد شکوفایی و نوزایی
- ۱۱۲ ۴-۲-۳- نبی اکرم (ص) نماد منجی و رهایی بخش
- فصل پنجم: نماد شناسی دیگر شخصیت‌های دینی در سروده‌های شاذل طاقه ۱۱۵
- ۱- بررسی شخصیت‌های مقدّس دینی (شخصیت‌های محبوب) ۱۱۵
- ۱-۱- واکاوی شخصیت حضرت مریم (ع) ۱۱۵
- ۱-۱-۱- گذری بر مضمون چکامه «لاتقولی انتهینا» ۱۱۵
- ۲- تبیین تصاویر و دلالت‌های نمادین شخصیت مریم (ع) در چکامه‌های شاذل طاقه ۱۱۹
- ۱-۲- مریم (ع) نماد فلسطین و قدس ۱۱۹
- ۲-۲- مریم (ع) نماد جهانی بودن ۱۲۰
- ۳-۲- مریم (ع) رمز عفت و پاکدامنی ۱۲۱
- ۴-۲- مریم (ع) نماد مظلومیت و بی‌گناهی ۱۲۲
- ۵-۲- مریم (ع) رمز مجد و عظمت گذشته عرب ۱۲۳
- ۲- واکاوی شخصیت‌های منفور ۱۲۳
- ۱-۲- واکاوی شخصیت‌های قایل و هاییل ۱۲۳
- ۲-۱-۱- معرفی چکامه «قایل فی الدملماجه» ۱۲۴
- ۲-۱-۲- بررسی تصاویر و دلالت‌های نمادین شخصیت‌های قایل و هاییل در شعر شاذل طاقه ۱۲۷
- ۱-۲-۱-۲- قایل نماد کمونیست‌های ستمگر ۱۲۷
- ۲-۲-۱-۲- هاییل رمز ساکنان مظلوم منطقه دملماجه ۱۲۸
- ۳-۲-۱-۲- هاییل نماد میهن ۱۲۹

۱۲۹	۲-۱-۲- تصویر اولین جنایت بشر
۱۳۱	۲-۲- واکاوی شخصیت یهودا
۱۳۲	تیین تصاویر و دلالت‌های نمادین شخصیت یهودا در سروده‌های شاذل طاقه
۱۳۲	یهودا نماد جنایتکاران و خیانت‌پیشگان
۱۳۲	۲-۳- واکاوی شخصیت مسیح دجال
۱۳۲	۲-۳-۱- گذری بر مضمون قصیده «الأعور الدجال»
۱۳۵	۲-۳-۲- بررسی تصاویر و دلالت‌های نمادین شخصیت مسیح دجال در اشعار شاذل طاقه
۱۳۵	مسیح دجال نماد حاکمان ستمگر
۱۳۷	خاتمه
۱۴۱	فهرست منابع
۱۴۱	کتاب‌های عربی
۱۴۷	کتاب‌های فارسی
۱۵۰	مقالات و پایان‌نامه‌ها
۱۵۱	منابع اینترنتی

پیوند میان سنت و تجدد و تبیین ارتباط «گذشته» و «اکنون»، موضوعی است که توجه بسیاری از اندیشوران و فیلسوفان را به خود جلب کرده است؛ چرا که مبرهن است که نمی‌توان یکسره از گذشته و میراث فرهنگی و فکری آن گسست و برای تبیین آنچه امروز فرادست می‌آید، توجه به مؤلفه‌های دیرین و گذشته آن ضروری است. در این بین، هنر و ادبیات که کارکرد آن، تأثیرگذاری بر مخاطب و برانگیختن جان و اندیشه اوست، جایگاه ویژه‌ای دارد. نگاهی به کتاب‌های آسمانی مقدّس و متون ادبی به خوبی نشان می‌دهد که چگونه آفرینشگر با بهره‌گیری از آموزه‌های میراث گذشته آدمی کوشیده است مخاطبان را به سوی اهداف خود سوق دهد. هنگامی که این آموزه‌ها با زبان هنر و به‌طور خاص، با زبان شعر همراه گردند، بی‌تردید از گونه‌ای دیگر می‌نمایند و اثربخشی خود را بیشتر می‌سازند. از این رو، گزاف نیست اگر بگوییم که قدرت تصویرپردازی شاعران را باید در توش و توان آنان در چند و چون به‌کارگیری تعالیم و آیین‌های میراث جست؛ گو برخی چنان مازانگیز و رازواره باشند که درک آن برای مخاطب دشوار باشد و برای تبیین آن به بررسی نمادها و اسطوره‌ها و رؤیاهای شاعر نیاز گردد. این امر در شعر شاعران معاصر عربی به خوبی دیده می‌شود، چنان‌که برخی با مدد جستن از نمادهای مختلف و اسطوره‌ها نه تنها دنیای درونی و بیرونی خود را ترسیم می‌کنند، بلکه در پس آن‌ها، اهدافی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی را نیز پی می‌گیرند.

این مهم در شعر شاعران معاصر عراق به فراوانی دیده می‌شود؛ چه فضای فکری و اجتماعی و دینی آن در روزگار معاصر و خفقان سیاسی و نیز جنبش‌های پایداری در برابر تجاوزگری‌های استعمارگران، زمینه‌های مساعدی برای شاعران و نویسندگان این سرزمین فراهم آورد تا با بهره‌گیری از گذشته و سنت و میراث آن، «اکنون» را به گونه‌ای بنگرند تا «آینده» ای امیدبخش به ارمغان آید.

شاعران نوگرای عراق کوشیده‌اند به وارونه شاعران پیشین، به فراخوانی شخصیت‌های تراثی و بازنویسی آن بسنده نکنند، بلکه با گذار از این مرحله، مرحله جدیدی بسازند که در آن، تراث را بازخوانی می‌کنند، تحریری نو از آن به دست می‌دهند و متناسب با اهداف

خود، بازآفرینی‌اش می‌کند.

از مهم‌ترین گونه‌های تراثی که در شعر شاعران معاصر عراق نمود برجسته‌ای یافته است، دین و شخصیت‌های دینی است؛ به‌ویژه آنکه قداست و سپندوارگی آن و غنا و تأثیرگذاری مضاعفش بر مخاطبان، کاربرد آن را فزونی و روایی بیشتر بخشیده است. اگرچه این شاعران در کاربرد میراث دینی، اهداف مشترکی چون اصالت‌بخشی، مانایی و عمق‌بخشی به اثر خود و اثرگذاری بیشتر بر مخاطب را دنبال می‌کردند؛ اما هدف مهم‌تر آنان، این رسالت بوده است که با ترسیم اوضاع آشفته و نابسامان سیاسی و اجتماعی کشورهای عربی به‌طور عام و عراق به‌طور خاص، امت عرب را برانگیزانند و به آنان آگاهی دهند؛ گویی آنان پیامبرانی‌اند که با وحی میراث و ابلاغ و تبیین آن، رسالت هدایت مخاطبان را بر عهده دارند. در پژوهش حاضر، از میان شاعران نوگرای عراق، شاذل طاقه را برگزیدیم؛ یکی از پیشگامان شعر معاصر عراق که مورد بی‌مهری و بی‌توجهی محققان قرار گرفته است. شاعری که گفته‌هایش در مقدمه اولین دیوانش، «المساء الاخیر»، حکایت از آگاهی زود هنگام وی از تجدّد شعری دارد.

گسترده‌گی کاربرد نمادین شخصیت‌های دینی در شعر این شاعر، مفاهیم و دلالت‌های متعددی برمی‌تابد. در حقیقت، این دلالت‌ها با تغییر موضع این شاعر و نیز نوع بینش وی نسبت به واقعیت‌های زمانه‌اش تغییر می‌کند و نمادها به دلیل پویایی معنایی‌شان، تأویل‌ها و تفسیرهای گوناگون و تازه‌ای می‌یابند و همین امر، درک آن‌ها را برای خواننده دشوار می‌کند؛ از این رو، لازم می‌آید این پدیده از جهات مختلف مورد بررسی قرار گیرد تا شیوه دسترسی به دلالت‌های نهفته در زوایای تو در توی اشعار این شاعر برای مخاطبان آشکار گردد. میزان مطابقت دلالت‌های نمادین این شخصیت‌ها با اصل میراثی آن نیز می‌تواند برای خواننده جالب توجه باشد. این پژوهش می‌تواند چشم‌انداز روشنی از کاربردهای نمادین و مجازی این شخصیت‌ها در سروده‌های این شاعر ترسیم نماید و میزان مطابقت آنان را با سنت آشکار سازد و راهگشای مناسبی برای خواننده محترم باشد تا بتواند به کنه دیدگاه‌های این شاعر برسد و درباره دیدگاه‌های وی قضاوت نماید.

آنچه نگارنده را به نوشتن پژوهش حاضر واداشت، از یک سو، گمنام بودن این شاعر

با وجود پیشگامی وی در شعر نوی عراق و از سوی دیگر کاربرد فراوان نمادهای دینی در شعر وی است. به طور کلی اهدافی که این پژوهش در پی تحقق آن‌ها بوده، عبارت‌اند از:

- ۱- بررسی دامنه فراخوانی شخصیت‌های دینی در سروده‌های شاعر مذکور.
- ۲- بررسی میزان دخل و تصرف این شاعر در میراث و تأثیر این دخل و تصرف در تولید دلالت‌های جدید از میراث دینی.
- ۳- انعکاس تعهد انسانی، قومی، اجتماعی و سیاسی شاعر مورد بحث در پرداختن به تصاویر مذهبی و دینی.
- ۴- بیان تأثیر جریان‌های فکری و سیاسی در آفرینش دلالت‌های نوین از شخصیت‌های دینی در نزد این شاعر.
- ۶- آشکار ساختن اهمیت و جایگاه میراث دینی در چکامه‌های شاعر مورد بحث.

کتاب حاضر در پنج فصل تنظیم شده است. نگارنده برای رسیدن به اهداف مذکور، نخست در فصل اول به معرفی شاعر، اندیشه‌ها و آثار او پرداخته و در فصل دوم به تعریف سنت، بیان انواع آن و علل گرایش شاعران به میراث، و شیوه‌های به‌کارگیری آن در شعر شاعران معاصر روی آورده و آنگاه در فصل سوم تصویر شخصیت‌های دینی نمود یافته در شعر شاذل طاقه را در آئینه ادیان ابراهیمی بررسی کرده است. دو فصل آخر به واکاوی تصویرها و دلالت‌های نمادین شخصیت‌های دینی در شعر شاعر یاد شده اختصاص دارد که در دو دسته پیامبران و دیگر شخصیت‌های دینی (محبوب و منفور) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. روش کار در این دو فصل به این صورت است که نگارنده برای تبیین دلالت‌های نمادین این شخصیت‌ها، ابتدا به شرح و تحلیل سروده یا سروده‌هایی که شخصیت دینی مورد نظر در آن‌ها کاربرد بیشتری داشته، پرداخته و بدین ترتیب خواننده را در بطن متن قرار داده است تا خود چگونگی ایفای نقش شخصیت دینی را در سروده‌های این شاعر به تماشا بنشینند و درک مفهوم نمادین آن شخصیت برایش آسان گردد، سپس دلالت‌های نمادین آن شخصیت در سروده‌های شاعر را بیان کرده است.

بدون شک پژوهش حاضر، با وجود تلاش های فراوان نگارنده خالی از نقص نیست؛ امید است اهل دانش بر نگارنده منت نهاده و با پیشنهادات ارزنده شان او را در رفع نواقص یاری رسانند.

این همه گفتیم لیک اندر بسیج بی عنایات خدا هیچیم هیچ
 ای خدا ای فضل تو حاجت روا با تو یار هیچ کس نبود روا
 قطره ای دانش که بخشیدی ز پیش متصل گردان به دریا های خویش

(مولوی، ۱۳۹۰ش: ۱۲۷)

مریم بخشنده

فصل اول

گذاری بر زندگی، اندیشه‌ها و آثار شاذل طاقه

۱- نگاهی بر زندگی شاذل طاقه

شاذل طاقه شاعر سیاسی و مبارز انقلابی و از پیشگامان شعر نو عراق در ردیف بدر شاکر سیاب، عبدالوهاب بیاتی و نازک الملائکه است. او در سال ۱۹۲۹م در شهر موصل متولد شد. پدرش معلم بود و بر تعلیم فرزند بسیار حریص؛ از این رو، برای تحصیل او را به بهترین مدارس فرستاد. مرحله ابتدایی را در مدرسه پسرانه خزرچی و راهنمایی را در مدرسه شرقیه و دبیرستان را در دبیرستان مرکزی گذراند (البستانی، ۲۰۰۹م: ۱۹). او در این مرحله، یعنی سال‌های بین ۱۹۴۳-۱۹۴۴م قصاید و مقالاتش را در نشریه‌های مدرسه چاپ کرد و دیوانی با عنوان «نفثات الفؤاد» (نوشته‌های قلب) یا «آمال و آلام» (آرزوها و دردها) نوشت که چیزی از آن چاپ نگردید.

در سال ۱۹۴۷م پدرش از دنیا رفت و بار سنگین زندگی بر دوش وی، که فرزند ارشد خانواده بود، افتاد؛ اما این امر باعث نشد که از کسب علم و دانش دست بکشد؛ بلکه به تحصیل ادامه داد و به دانشسرای عالی معلمان در بغداد - که بعدها به دانشکده علوم تربیتی تغییر نام داده شد- پیوست و در رشته زبان و ادبیات عرب به تحصیل پرداخت. در این دانشسرا بود که با پیشگامان شعر نو، از جمله بدر شاکر سیاب، عبدالوهاب بیاتی، سلیمان عیسی، لمیعه عباس (۱۹۲۹م - ؟)، آشنا گردید (همان: ۲۰) و با آنان در مجالس شعر و ادب حضور می‌یافت. بیاتی هم‌دوره او بود؛ ولی سیاب یک سال از آنان جلوتر بود. این سه شاعر به مبادله اشعارشان با یکدیگر می‌پرداختند (طاقه، ۲۰۱۲م: ۱)

در سال ۱۹۵۰م به مدرک لیسانس در رشته زبان و ادبیات عربی نائل آمد (البزاز، ۱۹۷۷م: ۵۱۱). پس از فراغت از تحصیل به موصل برگشت و به عنوان معلم زبان عربی در دبیرستان های آنجا مشغول به کار شد. در همین سال بود که اولین دیوان شعری اش، با عنوان «المساء الاخیر» (آخرین شامگاه) را چاپ نمود (البستانی: همان) پس از آن به فاصله شش سال کتابی با عنوان «تاریخ الادب العباسی» (تاریخ ادبیات دوره عباسی) و یک مجموعه شعری مشترک با سه تن از دوستانش (یوسف صائغ، هاشم طعان و عبدالحلیم لاوند) با عنوان «قصائد غیر صالحه للنشر» (سروده های غیر قابل چاپ) منتشر ساخت.

شاذل در سال ۱۹۵۳م با دختری به نام نازک فتحی عبدالرحمن صائغ ازدواج کرد که حاصل این ازدواج، چهار دختر به نام های: اوفی، اروی، هبه و صبا و یک پسر به نام نواف است.

بعد از انقلاب ۱۹۵۸م در رادیو، سپس در وزارت ارشاد و فرهنگ مشغول گردید و پس از آن به سمت مدیر کل خبرگزاری عراق منصوب گردید. در سال ۱۹۵۹م به دلیل انتسابش به حزب عربی سوسیالیستی بعث مدتی را در زندان سپری کرد. در سال ۱۹۶۳م باری دیگر زندگی شاعر تیره و تار گردید؛ چرا که از کار بر کنار شد و از بیکاری رنج می برد. در این دوره به طور موقت در شرکت بیمه مشغول شد و نقش فعالی در انجمن نویسندگان و مؤلفان عراق داشت و بعد از حادثه غم انگیز شکست ۱۹۶۷م نقش مهمی در بیداری مردم و زنده کردن روح امید در دل های مردم سرزمینش داشت.

پس از انقلاب ۱۹۶۸م نخست به عنوان وکیل وزارت اطلاعات، سپس سفیر دیوان وزارت خارجه عراق و پس از آن، سفیر جمهوری عراق در اتحاد جماهیر شوروی تعیین گردید و بعد از دو سال به سمت وکالت وزارت خارجه عراق منصوب شد و در سال ۱۹۷۴م به عنوان وزیر خارجه عراق از طرف ریاست جمهوری به سوی رئیس جمهور لیبی و الجزائر فرستاده شد. در اکتوبر همین سال، به عنوان رئیس هیأت عراقی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سخنرانی مفصلی درباره وضعیت سیاسی عراق ارائه نمود و پس از ده روز، یعنی در ۲۰ اکتوبر، زمانی که برای حضور در کنفرانس وزرای خارجی کشورهای عربی در شهر رباط در مراکش حضور یافته بود، به طور ناگهانی و بدون

هیچ‌گونه سابقه بیماری از دنیا رفت (ر.ک: البستانی، ۲۰۰۹م: ۲۱؛ البزاز: ۱۹۷۷م: ۵۳۶).

۲- نگاهی بر اندیشه‌ها و آثار شاذل طاقه

شعرای عراقی در اواسط قرن گذشته تحوّل بزرگی در قصیده عربی به وجود آوردند که در این میان نازک الملائکه، بدر شاکر سیاب، عبدالوهاب بیاتی و بلند حیدری مورد توجه ویژه پژوهشگران واقع شدند؛ اما شاذل طاقه پیشگامی است که مورد بی‌مهری و بی‌توجهی محققان قرار گرفته است. شاعری که گفته‌هایش در مقدمه اولین دیوانش، «المساء الاخیر»، حکایت از آگاهی زود هنگام وی از تجدد شعری دارد (البستانی، ۲۰۰۹: ۱۶-۱۷). بنا به گفته ماجد سامرائی، نوشتن تاریخ کاملی از حرکت شعر معاصر عربی اقتضا می‌کند که شاذل طاقه به عنوان شاعری نوپرداز و صاحب اندیشه‌ای نو در زمانش به شمار رود و به درستی که مورخان انصاف را در حق وی رعایت نکرده و پیشگامی او را در شعر معاصر عربی ندیده گرفته‌اند. وی معتقد است که مقدمه دیوان «المساء الاخیر» (شام آخر) شاذل طاقه باید در کنار مقدمه دیوان نازک الملائکه و سیاب در یک سیاق تاریخی و فنی قرار بگیرد... (السامرائی، ۱۹۹۹م: ۶۵). وی در مقدمه این دیوان، ضرورت تجدید در شعر را مطرح نموده و اصطلاح «شعر منطلق» (شعر رهاشده) را بر شعر تفعّیل نهاده است؛ چرا که به عقیده وی، این شعر از همه قیود رها نشده؛ بلکه به بعضی چیزها مقید و از بعضی چیزها آزاد است و نمونه‌هایی از این نوع شعر در این دیوانش دیده می‌شود که حاکی از اطلاع وی از شعر نو است؛ از این رو، این دیوان، چهارمین دیوان - در کنار دیوان نازک الملائکه، سیاب و بیاتی - در این پیشگامی است (البستانی، همان: ۸۲).

پژوهشگران در زمینه پیشگامان شعر نو اغلب بر این اتفاق نظر دارند که شاذل طاقه جزو پیشگامان رده اول شعر نو عراق به شمار می‌رود (عزالدین، ۱۹۷۳م: ۲۵۱؛ صلیبی العائدی، ۱۹۸۰م: ۲۶). در این میان عده‌ای نیز هستند که او را از گروه دوم برشمرده‌اند.

طاقه اولین شاعر نوپردازی است که برای قصیده شعر نو، قوانین عروضی ثبت نمود. او با به کار بردن بعضی از بحرهای ترکیبی در شعر خود، بر دیگر پیشگامان شعر آزاد پیشی گرفت؛ در واقع وی اولین شاعری است که به آمیختن بحرهای عروضی در شعر

تفعیله روی آورد و اساس ترکیب بحور را در عروض شعر نو بنا نهاد (مطلبی، ۱۹۷۴م: ۱۰۸؛ مصطفی، ۱۹۷۵م: ۱۸۷). مقصود از آمیختن بحور شعری، به کار بردن بحرهای متعدد و تداخل آن‌ها در یک قصیده است. او قصیده غضب را در دو بحر متدارک و خفیف سروده؛ اما تداخل مهم در قصیده «انتصار ایوب» (پیروزی ایوب) رخ داده که آن را بر سه بحر سروده است: بحر مدید، متدارک و رمل و کسی که در این بحور بیندیشد، می بیند که بین این بحور، هماهنگی ساختاری وجود دارد (البستانی، ۲۰۰۹ م: ۸۴-۸۵).

می توان گفت که تجربه شعری شاذل طاقه نشأت گرفته از ناآرامی‌ها و رنج‌های ذهنی او نسبت به جامعه و محیط اطرافش است. از زمانی که شاعر متولد شد تا زمانی که به تحصیلات دانشگاهی پرداخت، کشورهای عربی دچار جنگ‌ها، درگیری‌ها و حوادث ناگوار بسیاری بودند؛ چرا که این مرحله بین دو جنگ جهانی اول و دوم قرار داشت که در واقع کشورهای عربی را محلی برای عبور جنگجویان و هدفی برای تقسیم و غارت ثروت‌های آن قرار داده بودند. علاوه بر آن، انقلاب مایس ۱۹۴۱م بر ضد استعمار و مزدوران و هم پیمانان آنان و بر ضد نقشه‌ها و توطئه‌هایی که علیه سرزمین‌های عربی کشیده بودند، در نهایت به فاجعه بزرگ کشورهای عربی در اشغال فلسطین و آوارگی ساکنان آن و بنای دولت صهیونیستی انجامید. علاوه بر جنبش‌ها و انقلابات دیگری که روی داد، شکست ۵ حزیران ۱۹۶۷م بیش از هر چیزی بر یأس و ناامیدی ملت عربی افزود و در همین دوران بود که شاذل طاقه به عنوان یک ادیب و نویسنده، نقش سازنده‌ای در حفظ روحيات و ارزش‌های معنوی ملت و ایجاد اراده و دمیدن روح امید و زندگی در آنان داشت. از این رو می بینیم که از دهه چهل به بعد، موضوع شعرش را مسئله مبارزه برای آزادی ملت عربی تشکیل می دهد؛ به گونه‌ای که سرده‌هایش، نبرد برای پیروزی انقلاب عربی در الجزایر را تایید نمود و زیباترین قصایدش به مسئله فلسطین و مصیبت ملت آن پرداخته است، در حالی که اشغال اسرائیلی‌ها و وجود یهودیان را در این کشور محکوم می کند.

پژوهشگران در تقسیم شعر شاذل طاقه با یکدیگر اختلاف نظر دارند؛ مهم‌ترین تقسیم بندی که برای مراحل شعری وی ارائه شده، به شرح ذیل است:

۱- مرحله رومانتیسم که در قصاید دو دیوان اول شاعر، یعنی «المساء الأخير» و «قصاید غیر صالحه للنشر» (سروده‌های غیر قابل چاپ) (۱۹۵۶م) نمود یافته است. از مهم‌ترین موضوعاتی که شاعر همچون دیگر شاعران رومانتیست در این مرحله به آن پرداخته، عشق، حزن و اندوه، طبیعت، مرگ، درد و رنج ناشی از فقر و محرومیت، طغیان علیه واقعیت دردناک معاصر، مبارزه با استعمار و سرسختی‌های نظام‌های حاکم و... است. او این دیوان را به پدرش هدیه کرده و در صفحه تقدیم آن چنین نوشته است: «بَعِيداً فِي طَرْفِ الْمَدِينَةِ، وَفِي جَلَالِ الْمَسَاءِ الْحَزِينِ، أَضْعُ بِخُشُوعِ هَذِهِ الْإِضْمَامَةِ مِنَ الزَّهْرِ عَلَيَّ قَبْرِكَ يَا أَبِي» (ای پدرم! دور از شهر، در گوشه‌ای از آن و در سنگینی شامگاه اندوهناک، خاضعانه این دسته گل را بر روی قبرت می‌گذارم) (طاقه، ۱۹۷۷م: ۱۷) شاذل این مجموعه شعری را با قصیده‌ای با عنوان «أبي» آغاز کرده و چندین قصیده آغازین این مجموعه را به پدرش و حزن و اندوه بر فقدانش اختصاص داده و گزاره نیست اگر بگوییم که او بیشتر از شاعران دیگر به مرثیه‌سرایی بر پدر پرداخته است.

از دیگر موضوعات سروده‌های این دیوان، موضوع عشق نافرجامش به معشوقه‌ای مسیحی است که در دوران تحصیلش در دانشسرای عالی با او آشنا شده بود. این موضوع در قصاید متعددی از جمله «خبيبة» (نامیدی)، «عروس الجبل» (عروس کوه)، «المساء الاخير»، «اللقاء» (دیدار) و... جلوه‌گر شده است و چه بسا عنوان این دیوان (المساء الأخير) به آخرین شامگاه دیدار عاشقانه این دو معشوق اشاره داشته باشد (خضر، ۲۰۱۳م: ۱).

۲- مرحله واقعی که سروده‌های دیوان «ثم مات الليل» (سپس شب مرد) (۱۹۶۳م) را دربرمی‌گیرد. در این مرحله شاعر از غلبه ذات رهایی یافته، به نیازهای فنی و هنری این دوره لیبیک گفته و به مسائل قومی و ملی اهتمام ورزیده و در این راه، سختی‌های بسیاری چون زندان، آوارگی، شکنجه و عذاب را بر خود آسان ساخته است. او رهایی خود را در رهایی مردم می‌جوید و بیان‌کننده درد و رنج و خواسته‌های آنان است. در این دوره، حس قومی شاعر با شعور دینی او در هم می‌آمیزد و مسائل قومی، به خصوص قضیه فلسطین و الجزائر و کشتارهای مردم در موصل و شکست انقلاب‌های مردمی در کانون توجه او قرار دارد. او دیوان «ثم مات الليل» را به هر شهیدی که خورش در راه دفاع از وطن عربی و

برای رسیدن به پیروزی و فجر اّمّت عربی ریخته می شود، هدیه نموده است (طاقه، ۱۹۷۷م: ۲۰۳). عنوان این دیوان خود بیانگر امید شاعر به پیروزی و رهایی از چنگال ظلم و ستم و پایان شب سیاه استبداد می باشد.

۳- مرحله رمز و اسطوره که در سرودهای دیوان «الاعور الدجال والغرباء» (دجال یک چشم و غریبان) (۱۹۶۹م) جلوه گر شده است. اشعار این مرحله از غنا و پختگی بیشتری نسبت به اشعار دو مرحله پیشین برخوردار است؛ چه از نظر فکر و اندیشه و چه از نظر هنری. موضوعات قصاید این دوره از قضایای ملی فراتر رفته و غم و اندوه و دغدغه های انسان عربی را شامل می شود و از بعد بشری و فراشمول برخوردار است. شاعر در این مرحله از نمادهای مختلف دینی، تاریخی، اسطوره ای، طبیعی و ملی برای بیان تجربه و واقعیت اندوهناک معاصر بهره گرفته است. او تنها شاعر عربی است که از به کارگیری نمادها و اسلوب های بیگانه در شعرش دوری نموده و چه بسا که مقصود وی از این کار، این بوده است که به شعرش رنگ قومی خاص ببخشد (صلیبی العائدی، ۱۹۸۰م: ۸۶-۸۵) از جمله نمادهایی که در شعرش دیده می شود، مسیح (ع)، محمد (ص)، ایوب (ع)، هابیل و قابیل، مسیح دجال، یهودا، حسین (ع)، صلاح الدین ایوبی، شهرزاد، سندباد و... است.

آنچه ذکر آن خالی از لطف نیست، این است که آشنایی و ارتباط نزدیک وی با دو شاعر برجسته عراقی، بدر شاکر سیاب و بیاتی نیز شعر او را تحت تأثیر قرار دادند؛ به گونه ای که برخی دومین مرحله از شعر وی را «مرحله سیابی» نامیده اند.

از این شاعر گمنام و ناکام عراقی علاوه بر چهار مجموعه شعری - که قبلاً ذکر گردید - و مقالات متعدد در روزنامه ها و مجلات محلی، دو کتاب با عنوان «تاریخ الادب العباسی» (۱۹۵۳م) و «فی الاعلام والمعركة» (در رسانه ها و نبرد) (۱۹۶۹م) نیز بر جای مانده است.